

قرض الحسنه، راهبردی برای اقتصاد سالم

نوع مقاله: پژوهشی

روح‌اله عبادی^۱

مهدی جعفری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

چکیده

مطالعه رفتارهای اقتصادی به‌ویژه در اقتصاد اسلامی از مباحث مهم اقتصادی است. نظام مالی اسلامی با به رسمیت شناختن و برانگیختن انگیزه‌های معنوی، رفتارهای اقتصادی را در جهت رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی سامان داده و نهادهای مالی موجود در جامعه، ضمن تعامل با یکدیگر، در یک چارچوب معین، به سمت تحقق اهداف مشخص حرکت می‌کنند. در نظام پولی- مالی اسلامی راه‌کارهای جایگزین قرض ربوی که در سیستم سنتی و رایج اصلی‌ترین راه جهت تلاقی دادن عرضه و تقاضای وجوه است، پیش‌بینی شده تا سیستم اقتصادی دچار بن‌بست نگردد. یکی از نهادهای موجود در جوامع اسلامی در راستای تأمین مالی قرض‌الحسنه بوده که نقش اساسی در کاهش فقر و برآوردن نیازهای ضروری مسلمانان دارد. در این تحقیق به روش توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، ضمن بیان مفهوم توسعه و تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، رابطه قرض‌الحسنه با متغیرهای اساسی اقتصاد همچون توزیع درآمد، مصرف، پس‌انداز بررسی شده است. تحقیق درصدد اثبات این فرضیه است که بین نهاد قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، رابطه سازگار وجود دارد.

کلمات کلیدی: قرض‌الحسنه، راهبردهای توسعه، توسعه اقتصادی، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: Z12, E6, O10

ebadi.ro@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)

mahdi.jfr@gmail.com

^۲ دکتری علوم اقتصادی و عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی طلوع مهر

مقدمه

یکی از تفاوت‌های اصلی نظریه‌های اقتصاد اسلامی با نظریه‌های جریان متعارف اقتصاد توجه به وجود جهان پس از مرگ و انگیزه‌های افراد برای تخصیص بخشی از امکانات خود به آن جهان است. مکتب اقتصادی اسلام برای گسترش هر عمل پسندیده یا جلوگیری از شیوع هر رفتار ناپسند اقتصادی، از یک سو مسلمانان را ترغیب به اقدام یا خودداری از عمل می‌کند و از سویی دیگر، با اعمال سیاست‌های مناسب، فعالیت‌های اقتصادی را به سوی رفتارهای پسندیده و اجتناب از اعمال ناپسند و ضدارزش سوق می‌دهد (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۲). بنابراین انتظار بر آن است که در مقابل تحریم شدید ربا، رفتارهای اقتصادی جایگزینی که ثمرات مطلوبی برای جامعه اسلامی در پی دارد، معرفی شود. قرض‌الحسنه به‌عنوان راه‌کاری جهت حذف ربا از جامعه از دیرباز مورد توجه جوامع مختلف بوده است. در عین حال قرض‌الحسنه یکی از ابزارها و راه‌کارهای اصلی مورد نظر اسلام جهت حذف ربا از جامعه است (کميجانی و هادوی نیا، ۱۳۷۷). در زمینه استفاده از پول که یکی از بحث برانگیزترین فعالیت افراد است، نیز این بحث قابل توجه است. افرادی که اعتقاد اسلامی بیشتری دارند، سعی می‌کنند به دستورات شرع مانند استفاده از پول مازاد خود برای اعطای قرض‌الحسنه استفاده کنند و از دادن وام با سود یا بهره (ربا) خودداری کنند.

مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض‌الحسنه را به‌عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده برای متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است که ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض‌الحسنه داوطلبانه اقدام به انجام آن می‌کنند. در این شیوه امکان در اختیار قرارگرفتن امکانات مالی برای استفاده‌کنندگان از قرض‌الحسنه که عمده‌تاً گروه‌های کم درآمد جامعه را تشکیل می‌دهند فراهم می‌گردد. بنابراین با رواج آن و گسترش اجزاء آن عملاً نابرابری‌های زیاد درآمدی از بین می‌رود. از این‌رو می‌توان گفت نظام اقتصادی اسلام قرض‌الحسنه را به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور می‌تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقش فعالی داشته باشد (هادوی نیا و بافرانی، ۱۳۹۵).

«قرض‌الحسنه» در فرهنگ قرآن کریم، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به قصد تقرب به خداوند پرداخت می‌شود و «همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض‌الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد». متشرعان نیز قرض صحیح غیرربوی بین انسان‌ها را با تأسی از قرآن کریم، «قرض حسن» و «قرض‌الحسنه» نامیده‌اند. تصمیم اشخاص به قرض دادن هم تابع اعتقادات و فرهنگ و سلیقه آنهاست و هم به امکانات و محدودیت‌های آنان

بستگی دارد. ارزش و ثواب این عمل در دین اسلام، انگیزه اصلی برای پرداخت قرض الحسنه است. مصرف کنندگان مسلمان، ضمن اختصاص درآمد خود به مصرف حال و آینده، بخشی از آن را به کارهای خیر، از جمله قرض الحسنه اختصاص می دهند. به سبب مطلوب بودن عمل صالح و وابسته بودن توابع مطلوبیت فرد مسلمان به آن، بخشی از درآمد مصرف کنندگان به اموری نظیر خمس، زکات، انفاق، وقف، قرض الحسنه و مانند آن تعلق می یابد. اختصاص درآمد به مصرف حال و آینده نیز برای هر مصرف کننده، عملی صالح است، مشروط بر آن که با اسراف، اضرار و اتلاف همراه نباشد. بنابراین، هم مصرف شخصی حال و آینده برای مصرف کننده مسلمان مطلوب است و نیز مصرف دیگران به صورت قرض، انفاق، وقف و غیره (غفاری، ۱۳۸۵).

باتوجه به اهمیت، جایگاه و نقش قرض الحسنه در فرهنگ اسلامی، در این تحقیق به روش توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، ضمن تعریف قرض از منظر لغوی و فقهی، جایگاه و اهمیت قرض الحسنه در نظام اقتصاد اسلامی بیان شده و سپس با معرفی راهبردهای مختلف اقتصادی، راهبرد متناسب با قرض الحسنه تشریح خواهد شد.

۱. قرض در لغت

معنای مشهور و شایع مصدر «قرض» قطع کردن و بریدن است (عمید، ۱۳۸۰). و مالی را که به دیگری داده می شود به شرط بازگرداندن (عین یا بدل آن) قرض می خوانند (راغب اصفهانی؛ ۱۴۱۲ ه.ق، ماده قرض) گویا قرض دهنده، آن مال را از بقیه احوالش بریده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵). از این رو در کلام عرب به قیچی که دارای صفت برندگی است، مقرض می گویند. اگرچه به تناسب کلام در معانی دیگر نظیر روی گردانیدن از مکان، دور شدن از مکان، به چپ و راست رفتن و پاداش دادن به کار رفته است (معین، ج ۲، ۱۳۶۰: ۲۶۵۸). لکن معنای اصلی قرض از باب «قرض یقرض قرضاً» به معنای بریدن و قطع کردن است (ابن منظور، ۱۴۰۵)؛ چه آنکه مقرض قطعه‌ای از مال خود را جدا کرده و به مقترض می دهد. قرض عبارت است از اینکه مالی را به ضمان ملک دیگری نمایند، به اینکه به عهده او باشد، خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد، به تملیک کننده «مقرض» و به قبول کننده ملک «مقترض» یا «مستقرض» می گویند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲). قرارداد قرض نیاز به ایجاب و قبول دارد، مثل اینکه قرض دهنده بگوید: «این مال را به تو قرض دادم» و قرض گیرنده بگوید: «قبول کردم» یا هر لفظ دیگری که بیانگر این دو معنا باشد، عربی بودن ایجاب و قبول شرط نیست و با هر لغتی منعقد می شود. همچنین اگر به قصد قرض، مالی را بپردازد و دیگری با همان قصد بگیرد، قرض منعقد می شود. یعنی عقد قرض بدون لفظ و به وسیله معاطات نیز تحقق می یابد. معادل فارسی واژه قرض، «وام» می باشد که طی آن

شخص رابطه ملکیت بخشی از اموال را با خود قطع نموده و به دیگری می‌دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آن را در آینده به او بدهند. در قانون مدنی ایران نیز آمده است: «قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند و طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد می‌نماید» (امامی: ۱۹۳).

درخصوص تعریف اصطلاحی قرض الحسنه می‌توان گفت قرض الحسنه از مصادیق قرض غیرربوی محسوب می‌گردد و بسیاری از احکام قرض درباره قرض الحسنه نیز جاری است. بدین صورت که شاید مراد بسیاری از لغت‌دانان و مفسرین از تعریف «قرض» در آثار خود، همان قرض الحسنه نیز باشد. چراکه اصولاً قرض و قرض حسن هر دو در نقطه مقابل «قرض ربوی» قرار دارند (بیگ‌محمدی، ۱۳۹۱) و می‌توان تمایز آن دو از یکدیگر را در این دانست که در قرض الحسنه «نیازمند بودن وام‌گیرنده» و «انگیزه معنوی و اخروی وام‌دهنده» دو رکن اساسی از ارکان آن به‌شمار می‌روند؛ درحالی‌که در عقد قرض، رعایت این دو به‌عنوان شرط لازم نیست (رفیعی، ۱۳۸۵). در عرف نیز تعریفی که مردم، از قرض الحسنه دارند تقریباً همان تعریفی است که علمای لغت و تفسیر از قرض کرده‌اند. به‌عبارت دیگر امروزه غالب مردم قرض الحسنه را آن قرضی می‌دانند که فرد، برای مدتی به هم نوع نیازمند خود می‌دهد و در ازای آن هیچ‌گونه اضافه‌ای نمی‌گیرد. اما با توجه به شباهت قرض الحسنه و نیز زمینه بیان قرض حسن در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) می‌توان گفت قرض حسن نوعی صدقه است که جایگاه آن در کنار زکات‌های واجب و مستحب بوده و در جهت رفع فقر از جامعه اسلامی عمل می‌کند. البته ذکر یک نکته در این جا ضروری است و آن این که غالب مفسرین شیعه و سنی در تفسیر «قرضا حسنا» که در شش جای قرآن کریم به همین صورت به‌کار رفته است گفته‌اند: مراد از این قرض، انفاق و صدقه است که خداوند از بندگانش تقاضا کرده است (بیگ محمدی، ۱۳۹۱).

از آنجایی که قرض الحسنه از ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر غیرانتفاعی بودن و اختصاص به موارد اساسی و ضروری برخوردار است، در سطح کلان تأثیرات مثبتی بر سطح معیشت افراد خواهد گذاشت. از این‌رو در نظام اقتصادی اسلام به‌منظور دستیابی به اهداف عدالت و تأمین اجتماعی و همچنین کاهش فاصله طبقاتی از قرض الحسنه به‌عنوان ابزاری کارا در این زمینه استفاده شده است (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۲).

۲. قرض در اصطلاح فقهی

تحریرالوسیله قرض را چنین تعریف می‌کند:

قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند. البته بدین صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مثل و یا قیمت آن ضامن شود و تعهدکند (امام خمینی، ۱/۶۲۵).

پیرامون این تعریف فقهی باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. از آنجاکه قرض نوعی تملیک است، یعنی قرض‌دهنده مالکیت مال خود را به قرض‌گیرنده انتقال می‌دهد که در صورت تلف شدن مال قرض‌گیرنده ضامن است. برخلاف بسیاری از عقود مشارکت (مضاربه، مساقات، مزارعه و ...) که انتقال ملکیت تحقق نمی‌یابد و بدین سبب طرف قرارداد اگر کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.
۲. قرض از عقود لازم است؛ یعنی در صورت تعیین مدت، قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده حق تخلف ندارند (امام خمینی، ۱/۶۵۳).
۳. قرض به موضوعات خاصی اختصاص ندارد، تنها معین و دارای ارزش مبادله‌ای بودن موضوع ملاک است (امامی، ۲/۱۹۴).
۴. ذکر مدت از ارکان قرض نیست، بدین سبب اگر مدت ذکر نشود، قرض‌دهنده می‌تواند هر زمان که بخواهد مالش را پس بگیرد. اما اگر مدت مشخص شود، عمل به آن لازم است (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۸۴).
۵. قرض عقدی است که در آن مال به رایگان به طرف مقابل داده نمی‌شود، بلکه قرض‌گیرنده، مثل یا قیمت (معادل مالیت) آن را، ضمانت می‌کند. بنابراین مانند خرید و فروش نیست که پول و کالا مبادله گردد؛ بلکه در برابر واگذاری مال، قیمت و مثل آنچه قرض گرفته شده به عهده‌ی قرض‌گیرنده قرار می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۷۱).

۳. قرض الحسنه در متون اسلامی

۳-۱. قرآن کریم

آیاتی که در آنها عنوان «قرض حسن» مشاهده می‌شود. عبارت است از: «بقره- ۲۴۵؛ مائده- ۱۲؛ حدید- ۱۱ و ۱۸؛ تغابن- ۱۷؛ مزمل- ۲۰» که در اینجا به ترجمه‌ی دو مورد آنها اشاره می‌کنیم.

الف- «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیبه [سرپرست] برانگیخت و خداوند [به آنها] گفت: من با شما هستم، اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، به رسولان من ایمان آورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض حسن بدهید [در راه او به نیازمندان کمک کنید] گناهان شما را

می پوشانم [می بخشم] و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می‌کنم. اما هرکس از شما بعد از این کافر شود از این راه راست منحرف گردیده است» (مائده آیه ۱۲، ترجمه ناصر مکارم شیرازی).

ب- «کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد [و از اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند] تا آن را برای او چندین برابر کند؟ و خداوند است که روزی بندگان را محدود یا گسترده می‌سازد [و انفاق هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود] و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت)» (بقره آیه ۲۴۵، ترجمه مکارم شیرازی).

باتوجه به آنچه بیان شد، در قرآن کریم، واژه «حسن» صفت قرض الحسنه قرار گرفته است؛ حسن یعنی زیبا و نیکو (قرشی، علی اکبر؛ ۱۳۷۱) و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منت گذاردن و اذیت، ضایع نکند (طبرسی: ۱۳۷۲).

قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود. زیرا از منظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام دهد، قرض الحسنه برای اوست؛ خواه عبادت اصطلاحی باشد مانند نماز و روزه یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام‌المنفعه باشد: مانند مسجد و مدرسه‌سازی، یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

۲-۳. روایات

باتوجه به نکات زیر، مطلوبیت قرض در روایات امری مسلم است.

۱. روایاتی وجود دارد که از قرض ندادن به برادر ایمانی، در صورت توانایی نهی کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که برادر مسلمانش برای قرض گرفتن به وی رو آورد و او نیز قادر باشد ولی قرض ندهد، خداوند از بهشت محرومش می‌سازد» (امالی (صدوق) ص ۴۳۰ - من لا یحضر الفقیه ج ۴، ص ۱۵).
۲. روایاتی موجود است که به ثواب فراوان قرض اشاره می‌کند و بسیاری از آنها قرض را از صدقه برتر می‌شمارد. پیامبر اکرم فرمودند: «شب معراج بر در بهشت این نوشته را دیدم: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر پاداش دارد» (محمدباقر مجلسی، ۳۶۸/۶۹).
۳. روایات، یکی از دلایل حرمت ربا را رواج قرض در بین مردم بیان می‌کند و می‌گوید دلیل تحریم ربا آن است که ربا به ترک قرض از مردم می‌انجامد و این امر (ترک قرض) نزد خداوند نامطلوب است (حر عاملی، ۳۲۹/۲).

۴. پیشینه تحقیق

- هادی‌نیا (۱۳۷۸) در کتابی با عنوان «قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن» به روش ترکیبی به بررسی قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن در سه مرحله پرداخته است که در مرحله اول ماهیت قرض الحسنه، به عنوان یک رفتار اقتصادی، بررسی شده است. نگارنده با استفاده از منابع فقهی، حقوقی، روایی، تفسیری نشان داده است که این رفتار بیشتر در اثر انگیزه‌های اخروی، که متأثر از تعالیم دینی است، شکل می‌گیرد. در مرحله دوم، به تجزیه و تحلیل آثار قرض الحسنه در جامعه می‌پردازد و در مرحله سوم، فعالیت‌های مرتبط با قرض الحسنه در چند دهه‌ی اخیر در ایران را بررسی و تحلیل می‌کند. از مهم‌ترین نکات اشاره شده در این کتاب می‌توان به قرض الحسنه در اسلام، ماهیت قرض الحسنه، جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی، بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی قرض الحسنه، قرض الحسنه ابزار تحقق توسعه اقتصادی همراه با عدالت، قرض الحسنه در بانکداری بدون ربا و ... اشاره کرد.

- نظری (۱۳۷۹) در کتابی با عنوان «شرایط احیای فرهنگ قرض الحسنه» به روش توصیفی به شاخص‌های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب، مفهوم و عناصر احیای فرهنگ قرض الحسنه، قابلیت‌های فرهنگ قرض الحسنه اشاره نموده است. نتایج به دست آمده، تأیید دیدگاه برخی مراجع در مورد وجود ربا در قراردادهای قرضی رایج در نظام تأمین مالی کشور را در بردارد.

- حبیبیان نقیبی (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی» به روش توصیفی-تحلیلی و روش اسنادی مکتوب (کتابخانه‌ای) به تبیین قرض الحسنه با توجه به محتوای فقهی-حقوقی آن پرداخته با استفاده از روش‌های متعارف در اقتصاد اسلامی پرداخته و علاوه بر این به ارتباط قرض الحسنه و توسعه اقتصادی و وضعیت مراکز متکفل قرض الحسنه در ایران و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه پرداخته است.

- حبیبیان نقیبی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «قرض الحسنه، نگرشی تفسیری-روایی» به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تفسیری و روایی صحت و مشروعیت نهاد قرض الحسنه را با ارائه دلایل و مستندات کافی اثبات می‌نماید.

- عباسی و صدر (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «محاسبه هزینه تسهیلات قرض الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی» با روش توصیفی و تحلیل آماری به محاسبه هزینه تسهیلات قرض الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود بانکی پرداخته‌اند. بدین منظور با استفاده از روش ABC یا هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، هزینه تسهیلات قرض الحسنه بانک کشاورزی در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ را با سایر عقود سیستم بانکی مقایسه نمایند. همچنین در این تحقیق نشان داده شده است از سال ۱۳۷۶ هزینه هر عقد قرض الحسنه از تمام عقود دیگر برای عرضه تسهیلات کمتر است و

می‌توان انتظار داشت با افزایش یک درصدی تعداد عقودهای قرض‌الحسنه، هزینه متوسط عقودهای قرض‌الحسنه ۵۸/۰ درصد کاهش یابد.

- عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای باعنوان «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران» به روش توصیفی و تحلیل آماری به بررسی ابعاد گوناگون حضور قرض‌الحسنه در نظام بانکی، شناسایی نقاط ضعف و قدرت شبکه بانکی در استفاده از این ابزار اشاره شده است و با ارائه مستندات آماری نشان داده شده است با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، قرض‌الحسنه به‌صورت یکی از روش‌های جذب و تخصیص منابع، مورد استفاده نظام بانکی کشور قرار گرفت. در طی دوره مورد بررسی سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز از کل سپرده‌ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته و طی چند سال اخیر در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است که علت آن را می‌توان به‌طور عمده در کاهش ارزش مداوم سپرده‌های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جهت کسب سود جویا شد. از سویی سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات پرداختی نظام بانکی به‌طور میانگین ۶ درصد بوده است. به‌عبارت روشن‌تر، نظام بانکی کشور طی سال‌های مورد بررسی با احتساب ذخایر قانونی به‌طور میانگین حدود ۶۰ درصد سپرده‌های قرض‌الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه کرده است. یکی دیگر از علل کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز در نظام بانکی، رونق گرفتن صندوق‌های قرض‌الحسنه ارزیابی می‌شود؛ به‌طوری‌که این صندوق‌ها موفق شده‌اند معادل ۶۰ درصد ارزش سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی را طی این سال‌ها تجهیز کنند.

- محقق‌نیا (۱۳۸۹) در مقاله‌ای باعنوان «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از روش تحلیلی و استفاده از داده‌های آماری، فرضیه «علیرغم جایگاه ویژه قرض‌الحسنه در نظام بانکی بدون ربا، عملکرد ۲۵ ساله نظام بانکی جمهوری اسلامی نتوانسته این هدف را تأمین کند» را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در طی این دوره از طرفی، به‌طور متوسط تنها اندکی بیش از نیمی از منابع قرض‌الحسنه به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص یافته است. از طرف دیگر، سهم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه نیز به‌طور پیوسته کاهش یافته است. گرچه مصوبات دولت در سال‌های اخیر توانسته سهم تسهیلات قرض‌الحسنه را بهبود بخشد، ولی هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب در تجهیز و تخصیص آن فاصله داریم. حل این مشکل تنها در سایه مشارکت فعال بانک‌ها، بانک مرکزی، دولت و در نهایت مردم میسر خواهد بود. در این راستا، اقداماتی چون اختصاص تمامی منابع قرض‌الحسنه به پرداخت قرض‌الحسنه، و کاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌تواند ضمن جلب اعتماد مردم، به احیای جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی کمک نماید.

- یزدانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای باعنوان «قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی» به روش توصیفی و تحلیلی به تبیین ماهیت قرض الحسنه و آثار اجتماعی-اقتصادی در این شیوه تأمین مالی پرداخته است.

- لشکری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای باعنوان «بررسی موضوع ربا در قراردادهای قرض الحسنه رایج در سیستم تأمین مالی ایران» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و آسیب‌شناسی عملکرد سیستم تأمین مالی ایران در استفاده از عقد قرض تحت عنوان قرض الحسنه پرداخته است. در این مقاله نشان داده شده است قرض به عنوان یکی از روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا به نظر می‌رسد که مراقبت از قراردادهای قرض جهت جلوگیری از ایجاد ربا یا شبهه آن ضروری باشد. از طرف دیگر این نتایج، حضور این شیوه تأمین مالی را باتوجه به ماهیت بانک و همچنین مدل پیاده‌سازی آن را به دلیل شرایط تورمی اقتصادی ایران مناسب نمی‌دانند. در انتها جهت برون‌رفت از چالش‌های یادشده پیشنهادهایی ارائه شده است.

- هادوی‌نیا و عرب‌بافرانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای باعنوان بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض الحسنه مکتب اقتصادی اسلام با تحریم ربا، قرض الحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا در نظر گرفته است. باتوجه به این که اوراق قرض الحسنه صرفاً مبتنی بر عقد قرض الحسنه است، لذا تمام مواردی که به عنوان مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی برای قرض الحسنه قابل طرح است، برای اوراق قرض الحسنه نیز قابل طرح است. نتایج پژوهش نشان داد که اوراق قرض الحسنه دربردارنده مزایایی چون: شفافیت و هماهنگی با ماهیت قرض الحسنه، اجتناب از ربا، فقرزدایی، تأمین مالی پروژه‌های کلان و عمومی، قابلیت انعطاف، قدرت نقدینگی، استفاده به عنوان وثیقه، مدیریت ریسک، جنبه بین‌المللی پیدا کردن قرض الحسنه است. همچنین در ادامه مقاله، به بررسی تأثیر اوراق قرض الحسنه بر متغیرهای اقتصادی از جمله مصرف، پس‌انداز، توزیع درآمد، بخش پولی، اشتغال، سرمایه انسانی و هزینه‌های تولید پرداخته شده است. بنابراین با توجه به مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی عنوان شده، چنانچه اوراق قرض الحسنه به صورت صحیح به کارگرفته شود، نقش قابل توجهی در حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد داشت.

- هادوی‌نیا و عرب‌بافرانی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای باعنوان قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی بیان کرده‌اند که یکی از آموزه‌هایی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، مسئله قرض و قرض الحسنه است. از طرفی قرض الحسنه یکی از اصول مهم اقتصادی است که دین اسلام برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است. قرض الحسنه با مشخصه‌های خاصی نظیر اخلاص، بدون ربا بودن، از مال حلال قرض دادن و بدون منت بودن، شناخته می‌شود. قرض دادن آثار اجتماعی مؤثری مانند اصلاح

جامعه، ایجاد الفت و کاهش روح تکاوروری را به همراه دارد. پرسش اصلی این است که قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟ جهت تعیین جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی، سه مسیر اصلی طی شده است. اولین مسیر بررسی ویژگی‌های اصلی قرض الحسنه است. در این مسیر، ساختار انگیزشی قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده مورد بررسی قرار گرفته است. دومین مسیر، آشنایی با آداب قرض الحسنه است و سومین، مسیر بررسی رابطه قرض با دیگر عقود است. روش بررسی به صورت توصیفی - تحلیلی است.

باتوجه به آنچه بیان شد در هریک از تحقیقات ذکر شده جنبه‌هایی از قرض الحسنه مورد مطالعه قرار گرفته است. در این تحقیق با توجه به انگیزه وام‌دهنده و نیاز وام‌گیرنده در شکل‌دهی اثرات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از ابزار قرض الحسنه و توجه به راه‌کارهای جایگزین قرض ربوی در سیستم پولی و مالی اسلامی به روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع معتبر با تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، نشان داده می‌شود که بین نهاد قرض الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، رابطه‌ای سازگار وجود دارد.

۵. قرض الحسنه در آموزه های اسلامی

از تاریخ به‌دست می‌آید که انسان‌های گذشته به‌طور فطری با رباخواری مخالف بوده‌اند و قرض در میان آنها معمول بوده است (ابراهیمی، ۱۳۷۱). در قرآن کریم و احادیث شریفه نیز، ربا به شدت کم نظیری تحریم شده است که گویای آن است که ربا با روح اسلام و حیات عادلانه اجتماعی و اقتصادی در تعارض شدید است، که نه تنها کیان اقتصادی، بلکه ارکان نظام اجتماعی را نابود می‌کند و با فطرت انسانی به مبارزه برمی‌خیزد و انسان‌ها را به حرص، طمع، دروغ و سایر اوصاف ناپسند رهنمون می‌گرداند و با این اوصاف به جنگ عقل، شعور و جسم انسان و اجتماع می‌رود (حبیبان نقیبی، ۱۳۸۲)، از آنجایی که مکتب اقتصادی اسلام برای رواج و گسترش هر عمل پسندیده یا جلوگیری از شیوع هر رفتار ناپسند اقتصادی، از یک سو مسلمانان را ترغیب به ارتکاب یا اجتناب می‌کند و از سوی دیگر با اعمال سیاست‌های مناسب، فعالیت‌های اقتصادی را به سمت رفتارهای پسندیده و اجتناب از اعمال ناپسند و ناصواب ظالمانه و ضد ارزش سوق می‌دهد در این مورد نیز در کنار ممنوعیت ربا، مردم را به دادن «قرض الحسنه» تشویق می‌کند و معتقد است که چنانچه مسلمانان به‌طور اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام این امر خداپسندانه کنند، از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نزدیک‌تر می‌شوند (غفاری، ۱۳۸۵).

۶. جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی

قرض به عنوان یک عقد، از احکامی ویژه برخوردار است و دین ضمن امضای این قرار داد عقلایی، اموری چون عدم ربا را شرط درستی آن دانسته است. قرض الحسنه نیز از نظر فقهی و حقوقی در شمار عقد قرض جای دارد و از احکام آن بهره می برد، ولی بستر تحقق آن ویژگی هایی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می سازد. هدف الهی داشتن وام دهنده و توجه او به پاداش آن دنیا و نیز پرهیز از وام گرفتن برای نیازهای غیر ضروری بخشی از این ویژگی هاست. هر چند قرض به عنوان یک ابزار سرمایه گذاری مورد توجه است، اما جهت گسترش کمک رسانی به کسانی که ناتوان هستند یک فرصت ویژه شمرده می شود (درس هایی در اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴). بنابراین هر چند «قرض الحسنه» از نظر فقهی و حقوقی دارای ارکان «قرض» است؛ ولی خصوصیتی دارد که شناخت آن می تواند ضمن آشکار ساختن تفاوت قرض و قرض الحسنه ما را در تحلیل آثار این رفتار یاری کند. ویژگی های قرض الحسنه در دو بخش وام دهنده و وام گیرنده قابل بررسی می باشد.

۶-۱. ویژگی وام دهنده

قرض الحسنه از منظر وام دهنده در زمره رفتارهای اقتصادی که با انگیزه سود انجام می شود مانند بیع، مشارکت، مضاربه و ... قرار نمی گیرد بلکه از رفتارهایی است که انگیزه الهی عامل اصلی تحقق آن است. در قرض الحسنه، قرض دهنده امیدی به دریافت سود ندارد زیرا سود در آن نه تنها موجب حرمت (و به نظر برخی موجب بطلان) معامله می گردد بلکه ماهیت آن را عوض نموده و آن را به معامله ربوی تبدیل می کند. صدقه و کمک های بلاعوض اگرچه مورد تأکید اسلام قرار گرفته و عملی پسندیده می باشد، اما چون ممکن است در برخی موارد از سوی دریافت کنندگان کمک ها مورد سوءاستفاده قرار گرفته و فرد کمک گیرنده را از فعالیت اقتصادی باز دارد. از این رو قرض الحسنه بر صدقه ترجیح داده شده است (ر.ک نوری، ۱۳/۳۹۵) تا گیرنده قرض را ناگزیر به تلاش برای بازپرداخت آن کند. وام دهنده بنابه انگیزه هایی اقدام به این عمل می نماید که می تواند این انگیزه ها را چنین برشمرد: پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده، نوع دوستی، پس انداز.

۶-۲. ویژگی وام گیرنده

نیازمند بودن وام گیرنده در قرض الحسنه، اصلی مهم است. چنانکه در روایات داریم، اگر قرض گرفتن برای رفع نیازهای ضروری نباشد، امری ناپسند شمرده می شود. «قرض گرفتن اگر با نیاز همراه نباشد مکروه است و هر چه بر نیاز فرد افزوده شود از کراهت آن کاسته می شود» (امام خمینی، ۱/۶۰۲).

«قرض گرفتن، مکروه [و ناپسند] است مگر زمانی که ضرورتی آن را لازم سازد. پس در صورت اختیار، وام گرفتن شایسته نیست» (شیخ طوسی، ۳۰۴/۱).

البته این نیاز ضروری نباید ریشه در کم کاری و سستی فرد داشته باشد. انسان باید به اندازه کافی تلاش کند؛ ولی چنانچه کوشش‌هایش به عللی به رفع نیازهای ضروری اش نینجامد، می‌تواند قرض بگیرد.

«کسی که در پی روزی حلال برود، اما در زندگی درمانده شود، خوب است وام بگیرد. خدا و رسول او را (در باز پرداخت آن) یاری خواهند داد» (حرعاملی، ۸۱/۱۳ و ۹۱).

این نکته باعث می‌شود که افراد جامعه راه‌های طبیعی رفع نیاز را فراموش نکنند و اندیشه‌ی زندگی از راه قرض را در سر نپرورانند. زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله. البته توجه به دو نکته‌ی مهم ضروری است:

۱. بیشتر روایات نشان می‌دهند که موارد قرض الحسنه بیشتر در امور ضروری (امور مصرفی) است و در امور غیرضروری (امور تولیدی) کمتر از آن استفاده می‌شود.
۲. رفع نیازهای ضروری یک فرد، به مبالغ هنگفت، که معمولاً در امور تولیدی مطرح است، نیاز ندارد. بدین سبب قرض الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کمتری برخوردار است (ابراهیمی، ۲۸).

۷. آثار اقتصادی قرض الحسنه

۷-۱. قرض الحسنه و توزیع درآمد

مسئله توزیع نیز در ادبیات اقتصادی غالباً با بحث عدالت همراه بوده است. باتوجه به موضع ادیان و به‌طور خاص دین اسلام درباره عدالت، توزیع عادلانه، دغدغه اصلی آموزه‌های اسلامی است و نویسندگان حوزه اقتصاد اسلامی به این مسئله پرداخته‌اند؛ از جمله آیت‌الله صدر معتقد است دولت اسلامی وظیفه دارد با وضع مقررات قانونی و با ازدیاد ثروت عمومی و بی‌نیاز کردن افراد جامعه شرایطی فراهم نماید تا تمامی افراد بتوانند از امکانات و موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، شغلی و آموزشی موجود به‌صورت مساوی برخوردار شوند (صدر، ۱۴۱۷). برای اجرای عدالت براساس نظریه اقتصاد اسلامی ایجاد فرصت‌های برابر لازم و ضرورتی بوده و توزیع عادلانه درآمد و ثروت نیاز به توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و آموزشی دارد (لشکری، ۱۳۹۰).

از این رو در مکتب اسلام توجه ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی-اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه می‌تواند سهم مؤثری در تأمین این هدف داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام‌دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد، بنابراین انتظار می‌رود که استمرار آن باعث گردد که در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار گیرد. علاوه بر آن تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع نابرابر درآمدها دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. قرض‌الحسنه برخلاف مالیات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اجتماعی منوط به وجود برنامه‌های مناسب در چارچوب بودجه عمومی نیست.
۲. قرض‌الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام، هماهنگی دارد. چون با رعایت احترام به مالکیت خصوصی اعطاءکننده‌ی وجوه و به اختیار او چنین رفتاری صورت می‌گیرد. در واقع مصرف‌کننده مسلمان، درآمد خود را با توجه به مطلوبیت‌های مختلف به مصرف خود و خانواده، سرمایه‌گذاری و مصرف نیازمندان جهت بهره‌مندی از ثواب معنوی و اخروی تقسیم می‌کند.
۳. اختصاص مبلغ وام گرفته شده توسط قرض‌گیرنده‌ها به خرید کالاهای ضروری و اساسی، زمینه‌ای را به وجود می‌آورد که منابع موجود از تولید کالاهای لوکس به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده شود. بنابراین انتظار می‌رود که قرض‌الحسنه، الگوی تولید را نیز متناسب با نیاز جوامع تغییر دهد.
۴. قرض‌الحسنه شاخص‌های یک توزیع مطلوب را داراست. زیرا اولاً: انگیزه‌های تلاش برای تولید بیشتر و رشد از بین نمی‌رود. ثانیاً: قرض‌الحسنه پس از اعمال سازوکار قیمت‌ها در محدوده‌ی تولیدات مباح مطرح می‌شود و بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌گردد. ثالثاً: از آنجایی که «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض‌الحسنه مطرح است، بنابراین در راستای ایجاد زندگی مناسب و تأمین نیازهای اساسی آحاد جامعه می‌باشد.
۵. در وام‌های قرض‌الحسنه تولیدی نیز به نیازمندان کمک می‌شود تا در عوامل تولید و در نتیجه ارزش افزوده آن سهیم باشند و با تحریم ربا انتظار می‌رود که سهم آنان نیز افزایش یابد. در واقع قرض‌الحسنه‌های تولیدی شرایطی را به وجود می‌آورند که حتی به وسیله سازوکار بازار سهم بیشتری به افراد نیازمند از ارزش تولید تعلق بگیرد و در نتیجه توزیع مناسب‌تر درآمدها را می‌توان انتظار داشت.

۷-۲. قرض الحسنه و مصرف

عوامل متعددی بر مصرف مؤثرند که مهم‌ترین آنها، درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع درآمد، نرخ بهره، سطح قیمت‌ها، انتظارات، تسهیل اعتبارات مصرفی و ... می‌باشند. البته درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع مناسب درآمدها و تسهیل اعتبارات مصرفی، رابطه مستقیم و نرخ بهره و سطح قیمت‌ها رابطه‌ی معکوس با مصرف دارند؛ (حبیبیان، ۱۳۸۲) بنابراین تأثیر مثبت (منفی) قرض الحسنه بر عوامل نوع اول، موجب افزایش (کاهش) مصرف و اثر مستقیم (معکوس) آن بر عوامل نوع دوم، موجب کاهش (افزایش) مصرف خواهد شد.

در جامعه اسلامی از آنجایی که فرد مسلمان قرض را مکروه می‌داند و تنها در صورت نیاز متقاضی می‌شود، می‌توان انتظار داشت که با فرض ثبات سایر شرایط پس از دریافت قرض الحسنه مصرف جاری او به‌طور مقطعی افزایش یابد، ولی چون باید وام مزبور را به‌صورت اقساط در دوره‌های بعد باز پرداخت نماید و درواقع بخشی از درآمدهای دوره‌های بعد را به باز پرداخت وام اختصاص دهد، انتظار می‌رود میزان مصرف او در ماه‌های آینده کاهش یابد و در مجموع مصرف حال و آینده به واسطه قرض الحسنه تغییر نکند. البته این استنتاج در صورتی صحیح است که وام‌گیرنده وادار به تلاش بیشتر برای کسب درآمد بالاتر در دوره‌های بعد نگردد. بنابراین اگر با تلاش بیشتر و یا هر طریق دیگر، گیرندگان وام بتوانند درآمد خود را در دوره‌های بعد افزایش دهند و یا وجوه مزبور را در امور تولیدی و کسب سود به کار گیرند، انتظار می‌رود که وام‌های قرض الحسنه، افزایش مصرف را در پی داشته باشد.

۷-۳. قرض الحسنه و پس‌انداز

پس‌انداز درواقع ترجیح فایده‌ی نهایی مصرف و قدرت خرید آینده به حال است، بنابراین پیش‌بینی افراد از آینده و درواقع میزان بازدهی پس‌انداز در آینده، بر این رفتار بسیار مؤثر می‌باشد. اگرچه در علم اقتصاد متعارف، بازدهی مادی مدنظر قرار می‌گیرد، اما در جامعه اسلامی و در رفتار فرد مسلمان، بازدهی معنوی و اخروی می‌تواند از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها باشد. فرد مسلمان درآمد قابل‌تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و...) و پس‌انداز تقسیم می‌کند و چون قرض ربوی حرام است، پس‌انداز را نیز به دو قسم می‌کند.

(۱) قرض الحسنه

(۲) سرمایه‌گذاری و مشارکت برای کسب سود

از آنجایی که ثواب زیادی برای قرض الحسنه در متون اسلامی ذکر شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس‌انداز به این عمل پسندیده خلاف واقع نیست.

۸. بانک قرض الحسنه و تأمین مالی

در کلیه نظام‌های اقتصادی بانک‌ها دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشند به‌طوری که همواره رابطه‌ای مستقیم و قوی بین عملکرد سیستم بانکی هر کشور با توسعه اقتصادی آن کشور برقرار می‌باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۳).

در نظام بانکداری بدون ربا به‌علت ممنوعیت استفاده از معاملات ربوی در سیستم بانکی، اندیشمندان اسلامی جایگزین‌های مناسبی در طی سالیان گذشته ارائه داده‌اند. از آن جمله می‌توان به قرض الحسنه، عقود مشارکتی، مبادله‌ای و تعهدی اشاره نمود. عقد قرض الحسنه یکی از عقود شرعی است که به‌دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن و تأثیر به‌سزایی که بر عرصه‌های مختلف جامعه اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد، مورد توجه قرار گرفت. به‌طوری که در طی چند دهه گذشته، قرض الحسنه به‌عنوان یکی از شیوه‌های مهم تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی بدون ربا مورد استفاده قرار گرفت. در راستای بهبود عملکرد بهینه و حذف مشکلات موجود ناشی از عدم استفاده درست و یا سوء استفاده از منابع قرض الحسنه‌ای توسط نظام بانکی، اندیشه ایجاد بانک‌های تخصصی قرض الحسنه شکل گرفت.

باتوجه به اهمیت نقش قرض الحسنه در توسعه و رشد اقتصادی^۱، بررسی کارکردهای بانک‌های تخصصی قرض الحسنه به‌عنوان ارکان اصلی این فعالیت پسندیده در کشور به منظور بهبود عملکرد و استفاده از ظرفیت‌های این مؤسسات، جهت استفاده حداکثری از ظرفیت نظام بانکی اسلامی برای کمک به رفع نیازهای اساسی مردم، ضرورت می‌یابد (حاجی منجری، ۱۳۹۴).

بانک‌های قرض الحسنه از طریق حساب‌های «جاری» و «قرض الحسنه پس‌انداز» به تجهیز منابع پرداخته و اقدام به سپرده‌پذیری از مشتریان می‌کنند. این بانک‌ها تمامی منابع خود را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، به‌صورت قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرارداده و تنها مجاز به دریافت کارمزد هستند. به بیان ساده‌تر، بانک‌های قرض الحسنه بانک‌هایی هستند که هم در تجهیز منابع و هم در تخصیص آنها، تنها از عقد قرض الحسنه استفاده نموده و حق بهره‌برداری از دیگر عقود اسلامی را ندارند (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳).

تسهیلات قرض الحسنه برای تأمین نیازهای اساسی مانند ودیعه مسکن، ازدواج، کمک هزینه، مخارج ناشی از حوادث و فوت، هزینه‌ها و مخارج زندگی، کمک هزینه درمان، ادای دیون، سفرهای زیارتی، کمک هزینه تحصیلی، خرید کالاهای بادوام، که مورد نیاز ضروری هستند- مانند یخچال و

^۱ مطالعات مختلفی از جمله «قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن» نوشته هادوی‌نیا و همچنین «قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی» نوشته حبیبیان نقیعی، اثر قرض الحسنه در رشد و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

ماشین لباسشویی- مصرف می‌گردد. همچنین نیازهای مالی بنگاه‌های کوچک و خرد، اعم از بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و تهیه مسکن، از طریق تسهیلات قرض الحسنه تأمین می‌گردد. بانک‌های قرض الحسنه می‌توانند علاوه بر تخصیص منابع، که صرفاً از طریق اعطای قرض الحسنه صورت می‌گیرد، با ارائه دیگر خدمات بانکی به مشتریان، از آنان کارمزد دریافت نمایند (بیدار و داودی، ۱۳۹۰).

۹. اوراق قرض الحسنه و تأمین مالی

اوراق قرض الحسنه افزون بر آثاری که در مطرح شده است، از جهت معیارهای اقتصادی خرد و کلان نیز آثاری به همراه دارد که در اینجا به اجمال بررسی می‌نماییم.

۹-۱. معیارهای اقتصاد خرد

اوراق قرض الحسنه به‌ویژه نوع بدون جایزه آن، براساس قرارداد قرض بدون بهره طراحی می‌شوند. در نتیجه از نوع ابزارهای مالی غیرانتفاعی خواهند بود، بنابراین می‌توانند با اهداف و سلیقه‌های گروهی از افراد خیر همسو بوده و بازار داشته باشند. به این بیان که بانک‌ها، دولت و مؤسسه‌های خیریه می‌توانند با شناسایی ظرفیت‌های خیرخواهانه مردم از یک سو و شناسایی طرح‌های عام‌المنفعه مردم‌پسند از سوی دیگر، زمینه استفاده از منابع مردم در اهداف خیرخواهانه را فراهم نمایند. همچنین این اوراق اگر در حد کشش بازار منتشر شوند، یعنی متناسب با معاملات خیرخواهانه از اقتصاد باشند، قدرت نقدشوندگی لازم را خواهند داشت و هرچه به سررسید نزدیک‌تر شوند، درجه نقدینگی آنها بیشتر می‌شود (موسویان، ۱۳۹۱).

۹-۲. معیارهای اقتصاد کلان

اوراق قرضه الحسنه می‌توانند ابزار مناسبی برای جذب نقدینگی مازاد مردم خیر و هدایت آنها به سمت احداث طرح‌ها و پروژه‌های عام‌المنفعه یا تأمین سرمایه لازم جهت اشتغال اقشار آسیب‌پذیر جامعه باشند، بنابراین اوراق قرض الحسنه می‌توانند ابزاری مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی محسوب شوند. افزون بر این، اوراق قرض الحسنه به جهت بدون بهره بودن آنها و کاربردشان در طرح‌های عام‌المنفعه، تأثیر قابل‌توجهی روی عدالت توزیعی جامعه می‌گذارد و هرچه سهم این اوراق بیشتر شود، انتظار می‌رود فاصله طبقاتی در جامعه کمتر شود. همچنین این اوراق می‌توانند در مواقع نیاز ابزاری برای تأمین مالی دولت در اجرای طرح‌های عام‌المنفعه به کار روند، بنابراین می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای سیاست مالی محسوب شوند، البته به جهت

غیرانتفاعی بودن آنها قلمرو محدودی خواهند داشت. در نهایت به جهت غیرانتفاعی بودن اوراق قرض الحسنه و خرید و فروش آنها براساس قیمت‌های اسمی، زمینه برای ورود و خروج بانک مرکزی به بازار ثانوی این اوراق جهت انجام سیاست پولی وجود ندارد (میرزائی، ۱۳۹۶).

۱۰. راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی

توسعه در لغت به معنای گسترش و بهبودی می‌باشد و توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن یک سری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد. راهبرد نیز راه و روشی است که برای رسیدن به هدف معین انتخاب می‌گردد و به کار گرفته می‌شود (روزبهان، ۱۳۷۱) و مقصود از راهبردهای توسعه اقتصادی روش‌هایی است که می‌توان با استفاده از آنها به هدف، یعنی توسعه اقتصادی رسید. حال به بیان این راهبردها به‌طور مختصر می‌پردازیم.

۱-۱۰. راهبرد پولی

این راهبرد توجه خود را معطوف و متمرکز به کارایی علائم بازار به‌عنوان راهنمایی برای بهبود تخصیص منابع می‌سازد و در عمل، اغلب در طول دوره‌های بحرانی برای تثبیت و تعدیل اقتصادی و عدم تعادل‌های شدید ارائه می‌شود. وجه اصلی این راهبرد اعطای فضای گسترده به بخش خصوصی است.

۲-۱۰. راهبرد اقتصاد باز

این راهبرد در مواردی با راهبرد پولی تشابه دارد. چنانکه این استراتژی نیز برای تخصیص منابع، متکی به نیروهای بازار و بخش خصوصی است. در این راهبرد تجارت خارجی که اغلب با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خارجی تکمیل می‌شود به‌عنوان بخش پیش‌تاز یا موتور رشد، در نظر گرفته می‌شود.

۳-۱۰. راهبردهای صنعتی شدن

راهبردهای ناظر بر رشد به یک اعتبار به دو قسم رشد متعادل و رشد نامتعادل تقسیم می‌شوند، که راهبردهای صنعتی شدن، از راهبردهای رشد نامتعادل محسوب می‌گردند که در آن بخش صنعت بر سایر بخش‌ها مانند کشاورزی و... ترجیح داده شده است.

۱۰-۴. راهبرد انقلاب سبز

در این راهبرد بخش کشاورزی بر سایر بخش‌ها ترجیح داده می‌شود، که کانون توجه در این راهبرد معطوف به رشد بخش کشاورزی است نه نرخ‌های رشد کل، صادرات یا صنعتی شدن.

۱۰-۵. راهبرد توزیع مجدد

هدف این راهبرد بهبود توزیع مجدد درآمد و ثروت است. این راهبرد با اولویت دادن به ضوابطی که مستقیماً گروه‌های کم‌درآمد را منتفع می‌سازد، برای برخورد مستقیم با مسأله‌ی فقر طراحی شده است. راهبردهای توزیع مجدد را می‌توان به سه راهبرد توزیع مجدد بخشی از درآمد حاصل از رشد، ایجاد اشتغال تولیدی برای طبقات فقیر و تأمین نیازهای اساسی تقسیم کرد.

۱۰-۶. راهبردهای سوسیالیستی

برای توسعه اقتصادی سوسیالیستی، بیش از یک راهبرد وجود دارد که باتوجه به تجربه این کشورها می‌توان چهار روش مختلف توسعه اقتصادی متمایز را برشمرد:

الف) الگوی کلاسیک شوروی (استالینیست) که در آن به‌منظور تأمین مالی، گسترش سریع صنایع مربوط به کالاهای واسطه و سرمایه‌ای کشاورزی تقویت می‌شود.

ب) الگوی خودگردانی یوگسلاوی و درجه‌ی بالای عدم‌تمرکز که همراه آن است.

ج) الگوی چینی (مائوئیست) با تأکید بیشتر بر توسعه روستا در قالب مزارع اشتراکی.

د) الگوی متکی به خودگردانی کره شمالی.

هریک از این راهبردها با دیگری تفاوت‌هایی دارد که چندان هم ناچیز نیست. با این حال تمامی آنها به‌طور اساسی از راهبردهای سرمایه‌داری توسعه، متمایز می‌شوند. چون مالکیت خصوصی در این راهبردها از اهمیت نسبتاً کمی برخوردار است و تقریباً تمام شرکت‌های بزرگ صنعتی در بخش دولتی قرار دارند و شرکت‌های متوسط و کوچک می‌توانند براساس اصول تعاونی سازمان‌دهی شوند (ر.ک. اقتصاد چین، رئون چن و گالنسون - توسعه اقتصادی، بنیامین هی گینز).

۱۱. قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی

اقتصاد اسلامی در دنیای واقعی، دارای یک ماهیت دوگانه (مادی و معنوی) می‌باشد. هدف غایی در تحلیل متغیرهای مادی و معنوی چنین مدلی، ترسیم و تدوین مجموعه قوانینی از رفتارهای اقتصادی انسان در یک اجتماع سالم می‌باشد. این مجموعه قوانین از رفتارهای اقتصادی مسلمانان در جامعه اسلامی، چارچوب یک نظام اقتصاد اسلامی را پایه‌ریزی می‌نماید. در نظام اقتصادی اسلام

به منظور سالم سازی حیات اقتصادی مسلمین و حتی رشد و نمو ثروت های جامعه اسلامی و بالابردن بنیه اقتصادی و خودکفایی در تمام ابعاد و حیات مسلمین، در راستای اعتلای اسلام و دستیابی به اهداف عالیه آن، الگوهای رشد و توسعه اقتصاد اسلامی به عنوان الگوهایی جهت بخش تدوین و طراحی گردیده اند. از این رو از جمله مشخصه های اصلی توسعه اقتصادی در نظام اقتصاد اسلامی را مبانی ارزشی اخلاقی و قوانین شریعت الهی تشکیل می دهد. به منظور تدوین و ساخت الگوهای رشد و توسعه اقتصادی از نظام اقتصاد اسلامی، مبانی و مفاهیم چنین الگوهایی باید با توجه به نظام کلی اسلام، و نقش هر یک از اجزای نظام اقتصاد اسلامی و کارایی آن در رسیدن و دستیابی به چنین الگوهایی مورد تجزیه و تحلیل و کنکاش قرار گیرد (آزاددانا، ۱۳۷۱).

برای تعیین انتخاب و حتی ابداع راهبرد توسعه اقتصادی باید به ارزش های دینی و ملی جامعه خودمان رجوع کرده و راهبردی را انتخاب کنیم که با این ارزش ها بیشترین تناسب را داشته باشد و در فقدان راهبردی با این ویژگی، به فکر ابداع روش جدیدی باشیم که غیرقابل دسترس نیست. در بررسی تناسب قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی نیز عنایت ویژه به این مهم، نباید مورد غفلت قرار گیرد، چرا که با بی توجهی به این امر نه تنها از قرض الحسنه نمی توان به عنوان ابزاری مکمل در راستای توسعه اقتصادی بهره مند شد، بلکه ممکن است ضمن خنثی نمودن آثار یکدیگر، زیان های جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

به عبارت دیگر، هرچند در نظر گرفتن جایگاهی برای قرض الحسنه در اغلب راهبردها غیرممکن نیست، اما نباید نسبت به سازگاری اهداف راهبردهای مزبور و قرض الحسنه مورد نظر اسلام، غافل ماند. در نظام اقتصادی اسلام به منظور سالم سازی حیات اقتصادی مسلمین و حتی رشد و نمو ثروت های جامعه اسلامی و بالابردن بنیه اقتصادی و خودکفایی در تمام ابعاد و حیات مسلمین، در راستای اعتلای اسلام و دستیابی به اهداف عالیه آن، الگوهای رشد و توسعه اقتصاد اسلامی به عنوان الگوهایی جهت بخش تدوین و طراحی گردیده اند. از این رو از جمله مشخصه های اصلی توسعه اقتصادی در نظام اقتصاد اسلامی را مبانی ارزشی اخلاقی و قوانین شریعت الهی تشکیل می دهد (آزاددانا، ۱۳۷۱). از این رو ابزارهای مختلفی که در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار می گیرد باید با اهداف اسلام سازگاری داشته باشد. درواقع باید اهداف قرض الحسنه را که ناشی از اهداف اسلام در جامعه اسلامی است، با اهداف راهبردهای مختلف سنجید و در صورت سازگاری و همسویی میان آنها، به بررسی جایگاه قرض الحسنه در آن راهبردها پرداخت.

۱۱-۱. قرض الحسنه و راهبرد پولی

با وجود اعتقاد به حداقل رساندن نقش دولت، اتکا به بخش خصوصی، بی‌توجهی به موضوع توزیع درآمدها و مانند آن در راهبرد پولی، به نظر می‌رسد نتوان جایگاهی برای قرض الحسنه مورد نظر در این نوشتار، در راهبرد مزبور یافت. البته ممکن است مؤسسات اعتباری انتفاعی خصوصی، وجود داشته باشند که به تأمین برخی از نیازهای اعتباری مصرفی و تولیدی اقدام نمایند؛ ولی به هیچ عنوان نمی‌توان نام قرض الحسنه بر آن نهاد. چون هیچ‌گونه تشابهی با قرض الحسنه مورد نظر در این نوشتار نخواهد داشت.

۱۱-۲. قرض الحسنه و راهبرد اقتصاد باز

در این راهبرد مانند راهبرد پولی، رشد هدف اصلی توسعه‌ی اقتصادی در نظر گرفته شده است. البته راه رسیدن به رشد را از طریق مبادلات تجاری با سایر کشورها می‌داند. قرض الحسنه در این راهبرد می‌تواند به‌عنوان ابزار حاشیه‌ای عمل کند و موجب کاهش بعضی از آثار منفی آن گردد و یا اعتبارات کوچک و محدود بخش‌های خصوصی را تأمین کند. ولی این عملکرد، مقصود از تشریع قرض الحسنه را برآورد نخواهد کرد و در عین حال ابزار اصلی برای راهبرد مزبور نخواهد بود. به‌علاوه، اگرچه تأثیر این راهبرد بر توزیع درآمدها، مبتنی بر نوع کالاهای صادراتی است، ولی توزیع مناسب‌تر درآمدها با افزایش پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری و رشد بیشتر ناسازگار است؛ بنابراین از این جهت هم قرض الحسنه نمی‌تواند ابزار مناسبی برای این راهبرد باشد.

۱۱-۳. قرض الحسنه و راهبردهای صنعتی‌شدن

در این راهبردها نیز تأکید بر رشد است و صنعتی شدن به‌عنوان طریق مناسب نیل به این هدف در نظر گرفته می‌شود. تشکیل سرمایه زیاد، مورد تأکید بیشتری است و با صراحت، توزیع مناسب درآمدها به‌عنوان مانعی بزرگ در راه پس‌انداز و تشکیل سرمایه مطرح می‌شود؛ بنابراین تعیین جایگاهی مناسب برای قرض الحسنه در راستای اهداف این راهبردها، از بقیه مشکل‌تر است.

۱۱-۴. قرض الحسنه و راهبرد انقلاب سبز

این راهبرد ناظر بر رشد نامتعادل و ترجیح بخش کشاورزی بر سایر بخش‌ها است و به صنایع کاربر، گسترش اشتغال و تأمین غذا برای گروه‌های پایین درآمدی، توجه ویژه‌ای دارد. همچنین نیل به رشد اقتصادی، بی‌توجهی به توزیع عادلانه درآمدها را ضروری نمی‌داند. بنابراین، قرض الحسنه برای ایجاد تقاضای بالفعل برای کالاهای کشاورزی توسط اقشار کم‌درآمد و تأمین اعتبارهای کوچک برای

فعالیت‌های تولیدی کوچک کشاورزی یا صنایع کوچک مربوط به آن می‌تواند نقش فعالی داشته باشد. البته این راهبرد در دستیابی به اهداف مورد نظر خود توفیق چندانی نداشته است و اهداف قرض‌الحسنه نیز با هدف‌های این راهبرد به‌طور کامل تطابق ندارد، اما در صورت انتخاب این راهبرد برای نیل به توسعه اقتصادی می‌توان از قرض‌الحسنه استفاده شایانی کرد.

۱۱-۵. قرض‌الحسنه و راهبردهای سوسیالیستی

این راهبردها در تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و خدمات عمومی برای افراد جامعه توفیقاتی داشته‌اند ولی به‌دلیل عدم مشروعیت مالکیت خصوصی در این دیدگاه، استمرار توفیقات و تعمیم آن به سایر جوامع، چندان آسان به نظر نمی‌رسد. به هر حال با فرض امکان تأسیس نهاد قرض‌الحسنه در چنین جوامعی و امکان رشد و تکامل آن می‌توان در راستای برخی از اهداف، از آن استفاده کرد. اما واقعیت این است که باتوجه به اقتصاد برنامه‌ریزی شده دولتی نمی‌توان انتظار داشت که نهاد قرض‌الحسنه در این جوامع، متکی به حرکت مردمی باشد. بلکه صرفاً به‌عنوان یک موسسه‌ی اعتباری دولتی می‌تواند کارایی داشته باشد. در نتیجه این نهاد با ویژگی قرض‌الحسنه مورد نظر در این نوشتار تناسب چندانی نخواهد داشت.

۱۱-۶. قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد

در مجموع با توجه به اهداف راهبردهای توزیع مجدد می‌توان گفت که تناسب قرض‌الحسنه با این راهبردها از بقیه بیشتر است، اما در میان این راهبردها، راهبرد تأمین نیازهای اساسی با قرض‌الحسنه سازگاری بیشتری دارد.

۱۱-۶-۱. راهبرد تأمین نیازهای اساسی

واقعیت این است که هنوز از انسان‌های جهان از حداقل امکانات محرومند و برای ارضای ابتدایی‌ترین نیازهای اساسی خود تلاش می‌کنند (قره‌باقیان و زرغامی، ۱۳۷۳). بنابراین توجه به تأمین نیازهای اساسی باید در سرلوحه برنامه‌ها و راهبردهای توسعه قرار گیرد و پس از ارضای این نیازها برای تأمین سایر سطوح و اشکال رفاه در زندگی انسان‌ها طرح‌هایی ارائه و منابعی هزینه گردد. حال باید دید نیازهای اساسی چیست؟ در مورد چگونگی تعیین این نیازها دو نظر مشخص وجود دارد:

الف) نیازهای اساسی باید به‌طور ذهنی بر حسب ارضای نیاز مصرف‌کنندگان و آن‌گونه که خود مصرف‌کنندگان احساس می‌کنند تعیین شود. براساس این تفسیر راه طبیعی رفع نیازها این است

که امکانات و درآمد کافی برای مردم وجود داشته باشد تا مصرف‌کنندگان خود، نسبت به تأمین نیازهای اساسی خویش اقدام کنند. طرفداران این نظریه معتقدند که رفتار مصرف‌کنندگان عقلایی است و آنان خود بهترین داور نیازهای اساسی خویشند.

ب) این نیاز به‌طور عینی برحسب حداقل مقادیر مشخص غذا، پوشاک، مسکن و آب آشامیدنی سالم تعریف می‌شود و ارتباط دقیق بین میزان استفاده از مواد غذایی و سطح تغذیه کافی، تنها وسیله‌ی متخصصین تغذیه و پزشکان تعیین می‌شود. طرفداران این‌گونه تفسیر معتقدند که مصرف‌کنندگان منطقی تصمیم نمی‌گیرند و تابع فشارها، تبلیغات، آثار ظاهری و تقلید از طبقات ثروتمندترند.

در گزارش مدیر کل سازمان بین‌المللی کار به کنفرانس اشتغال جهانی در سال ۱۹۷۶ ضمن تأکید بر اهمیت و اولویت نیازهای اساسی در بحث‌های توسعه، این نیازها در چهار مقوله مشخص و سال ۲۰۰۰ به‌عنوان تاریخ نهایی تأمین آنها عنوان شد. این چهار مقوله عبارتند از:

۱. حداقل نیازهای مصرفی خانواده یعنی غذا، مسکن و پوشاک.
۲. برخورداری از خدمات اساسی مثل آب آشامیدنی سالم، بهداشت، حمل و نقل، سلامت و آموزش و پرورش.
۳. دسترسی به شغلی با مزایای مکفی برای هر فردی که توانایی و تمایل به کارکردن دارد.
۴. تأمین نیازهایی که بیشتر ماهیت کیفی دارند، مثل برقراری محیطی سالم، انسانی و دلپذیر و مشارکت عموم مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و آزادی‌های فردی آنان اثر می‌گذارد (هانت، ۱۳۷۶: ۲۷۷). به‌نظر می‌رسد در یک جمله روشن می‌توان گفت که مقصود از نیازهای اساسی، تأمین نیازهای آحاد جامعه برای برخورداری از «حیات آبرومند» می‌باشد.

در نتیجه به‌طور کلی می‌توان گفت: قبول اینکه قرض‌الحسنه برای راهبردهای ناظر بر رشد (پولی، اقتصاد باز، صنعتی‌شدن و انقلاب سبز) نیز می‌تواند ابزار مفیدی باشد، بسیار مشکل است. تنها پس از رسیدن به رشد مستمر، در مرحله نفوذ به پایین، ممکن است بتوان جایگاهی برای آن در نظر گرفت. اصول ارزشی قرض‌الحسنه و راهبردهای سوسیالیستی نیز با هم سازگاری ندارند.

بنابراین انتظار می‌رود که قرض‌الحسنه با راهبردهای توزیع مجدد و به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، تناسب بیشتری داشته باشد و بتواند به‌عنوان ابزار مفیدی در راستای اهداف آن عمل کند، که اسلام و احکام آن نسبت به تأمین نیازهای اساسی همه افراد جامعه اهتمام ویژه‌ای می‌ورزد. نهاد قرض‌الحسنه نیز باید تأمین نیاز اساسی و ضروری را در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، به‌عنوان وظیفه اصلی خود بداند. بنابراین در ادامه بعضی از وجوه مشترک راهبرد نیازهای اساسی و نهاد قرض‌الحسنه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱۱-۶-۲. ویژگی‌های راهبرد تأمین نیازهای اساسی

ویژگی‌های راهبرد نیازهای اساسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- توسعه اقتصادی صرفاً شامل رشد نیست، بلکه به معنای بهبود رفاه عمومی، توأم با اولویت قائل شدن برای تأمین نیازهای اساسی همگان است.
- ۲- برای تحقق این هدف، باید توده مردم، حق مشارکت سیاسی در خصوص تأمین نیازهای اساسی را داشته باشند.
- ۳- راهبرد توسعه‌ای که مبتنی بر اولویت تأمین نیازهای اساسی باشد، نسبت به هر راهبرد بدیل دیگر شالوده مستحکمی برای تداوم رشد بلندمدت به وجود می‌آورد.
- ۴- این امر ناشی از تأثیر در ساختار تقاضای داخلی و انگیزه سرمایه‌گذاری مرتبط با آن است.
- ۵- برخی از پیامدهای تجدید ساختار تقاضای داخلی که مترتب بر این راهبرد هستند عبارتند از: کاهش محدودیت تقاضای داخلی، بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها و در نهایت رشد اقتصادی.
- ۶- این راهبرد مبنای تحولات ساختاری مداوم را فراهم می‌کند و در ضمن محدودیت‌های موجود در راه افزایش ارز و سرمایه خارجی را از بین می‌برد.
- ۷- این راهبرد، توسعه منابع انسانی را تسریع می‌کند (هانت، ۱۳۷۶: ۲۸۶).

۱۱-۶-۳. شاخص‌های راهبرد تأمین نیازهای اساسی

تعیین شاخص ویژه، گویا و کمی برای راهبرد ناظر بر تأمین اساسی از مباحث مهم و در عین حال اختلاف برانگیز در بین طرفداران این راهبرد می‌باشد. از آنجا که این راهبرد در جستجوی آن است که به جای اشیاء، انسان (زاکس، ۱۳۷۷) و اعتلای کیفی حیات او (شادپور، ۱۳۷۲) مورد توجه سیاست‌های توسعه اقتصادی قرار گیرد، بالطبع ارائه یک شاخص کمی بی‌نقص برای آن آسان نخواهد بود. به هر حال، حامیان این راهبرد، شاخص‌هایی را مطرح کرده‌اند که در این قسمت به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. بررسی سه متغیر کاهش مرگ‌ومیر کودکان، افزایش امید به زندگی و افزایش میزان باسوادی برای تعیین میزان نیازهای اساسی کافی است. چون تغذیه، خدمات بهداشتی و غیره برای نیل به اهداف سه گانه مزبور می‌باشد.

۲. دومین شاخص ارائه شده، شاخص کیفیت مادی زندگی است که بر متغیرهای امید به زندگی در سن یک سالگی، مرگ‌ومیر کودکان و باسوادی مبتنی است و به هر کدام وزن واحدی داده می‌شود.
۳. شاخص سوم، امید به زندگی را جایگزین دو متغیر مرگ‌ومیر کودکان و باسوادی می‌نماید. به این دلیل که همبستگی شدیدی با آنها دارد و می‌تواند جایگزین مناسبی برای آنها باشد.

عده‌ای میزان دریافت کالری را به‌عنوان شاخص واحد و اصلی ارزیابی عملکرد نیازهای اساسی مطرح کردند. اما تاکنون هیچ یک از این پیشنهادها به‌عنوان معیار مناسب و قابل قبول همه برای ارزیابی عملکرد راهبرد تأمین نیازهای اساسی موردپذیرش عام واقع نشده است، ولی جدول هیکس^۱ و استریتین^۲ که ۶ نیاز اساسی را مطرح کرده‌اند، بیشتر مورد توجه واقع شده است، که در آن علاوه بر تعیین نیازهای اساسی، شاخص‌های عملکرد برای هر یک از آنها مشخص نموده‌اند.

نیاز	شاخص‌های عملکرد
سلامتی	امید به زندگی در اوان تولد
آموزش	باسوادی، ثبت نام در مدارس ابتدایی (درصد در جمعیت سنین ۱۴-۵)
تغذیه	میزان کالری سرانه یا عرضه کالری به‌صورت درصدی از احتیاجات
عرضه‌ی آب	مرگ‌ومیر کودکان (از هر هزار تولد)، درصد افرادی که دسترسی به آب آشامیدنی دارند.
بهداشت	مرگ‌ومیر کودکان (از هر هزار تولد)، درصد افرادی که امکان استفاده از تسهیلات بهداشتی را دارند
مسکن	هیچ‌کدام

جدول استریتین و هیکس از شاخص‌های پیشنهادی نیازهای اساسی (هانت، ۲۰۰۶)

¹ Hicks

² Streeten

کرنیا^۱: شاخص‌های روندی را مطرح کرد که میزان در دسترس بودن خدمات عمومی را اندازه‌گیری می‌نماید که انواع معیارهای به‌کار رفته، تعداد افراد استفاده‌کننده، میزان هزینه عمومی و تعداد کارمندان را شامل می‌شود.

۱۲. قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی

اگرچه مطالعه‌ی مطالبی که تاکنون بیان شد، تناسب قابل‌ملاحظه قرض‌الحسنه و راهبرد نیازهای اساسی را نتیجه خواهد داد و در برخی موارد به این مطالب تصریح نیز شده است، ولی اشاره به بعضی از موارد اشتراک آنها خالی از فایده نیست. از جمله مواردی که در راه‌کارهای راهبرد نیازهای اساسی به آن تکیه شده و از ابزارهای مهم برای اعمال سیاست‌های این راهبرد محسوب می‌شود، اعطای وام‌های بی‌بهره و کم‌بهره می‌باشد، که در آن پیشنهاد می‌شود دولت، بخشی از درآمدهای خود را برای تأمین اعتبار طرح‌های این راهبرد، به‌صورت وام‌های بدون‌بهره و کم‌بهره، اختصاص دهد. طبیعی است که مرکز متکفل این امر، نمی‌تواند مؤسسه‌ای انتفاعی باشد (هانت، ۱۳۷۶: ۹۵).

اگر نهادی به نام قرض‌الحسنه با اتکا بر زمینه‌های لازم اعتقادی و شرایط جامعه شکل گرفته باشد که بتواند وجوه مردم را جمع‌آوری نماید، می‌توان از این وجوه برای تأمین اعتبار نیازهای اساسی مصرفی و تولیدی استفاده نموده و به‌صورت وام‌های بدون بهره واگذار کرد. البته دولت نیز جهت ایجاد انگیزه و تحرک و سرعت بیشتر برای رسیدن به اهداف مورد نظر، بخشی از اعتبارات را تأمین خواهد کرد. درواقع با وجود قرض‌الحسنه، بار مالی دولت در این راهبرد به‌شدت کاسته خواهد شد و درعین حال از نظارت و هدایت حکومت اسلامی نیز در راستای اهداف مزبور برخوردار است.

موضوع دیگری که راهبرد تأمین نیازهای اساسی، به‌شدت به آن متکی است، مشارکت مردمی می‌باشد. یعنی بدون مشارکت مردمی، راه‌کارهای عملی این راهبرد، کارایی خود را از دست می‌دهد. چنان که در برخی از ادبیات مربوط به این راهبرد آمده است: «دولت بدون هم‌کاری و هم‌فکری مردم، عملاً توان تعیین دقیق و تأمین نیازهای اساسی را ندارد. برای تحقق این هدف باید توده‌ی مردم حق مشارکت سیاسی درخصوص تأمین نیازهای اساسی را داشته باشند. درواقع در این راهبرد، مردم محور حرکت هستند. هدف آن است که مردم، حاکم بر سرنوشت خود، تعیین‌کننده هدف و مجری برنامه‌ها باشند. بنابراین اولین و مهم‌ترین رکن این راهبرد، مردم هستند و ارکان دیگر بر مدار آن شکل می‌گیرند» (هانت، ۱۳۷۶).

^۱ Corina

نهاد قرض الحسنه نیز، عملاً متکی بر آحاد مردم و مشارکت جدی آنان می‌باشد. به عبارت روشن‌تر، اگرچه نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی، شرط لازم و ضروری موفقیت قرض الحسنه می‌باشد، ولی این امور باید به صورتی اعمال گردد که صبغه‌ی مردمی بودن آن کاسته نشود. یعنی دخالت دولت، فقط در جهت هدایت و تقویت انگیزه‌ها و تحرک مردمی این نهاد باشد. چنان که در اغلب مراکز متولی قرض الحسنه در حال حاضر، وجهه‌ی مردمی بودن آن کاملاً مشهود است، اما از نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی به مقدار کافی برخوردار نیست و همین امر باعث ایجاد انحرافات احتمالی در پیگیری اهداف یا تشخیص اهداف صحیح شده و خواهد شد.

توجه وافر به تأمین نیازهای اساسی و کالاهای ضروری برای طبقات کم‌درآمد جامعه از موضوعات مهم راهبرد می‌باشد (فرجادی، ۱۳۷۱) درواقع جستجوی راهبرد جدید و ابداع راهبرد، به دلیل عدم توفیق راهبردهای سابق در رفع مشکلات طبقات کم‌درآمد و تأمین نیازهای اساسی آنان بوده است. طبیعی است که بخشی از نیازها باید توسط کمک‌های بلاعوض و پرداخت‌های انتقالی دولت و نهادهای مردمی تأمین شود، اما بهترین روش برای رفع نیازها، اعطای وام‌های بی‌بهره مانند قرض الحسنه است که ضمن رفع احتیاجات آنان را به تلاش برای کسب درآمد بیشتر برای بازپرداخت وام وامی دارد. برای این منظور باید اعتبارات لازم برای تأسیس یا گسترش صنایع کوچک تأمین گردد تا اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر را در پی داشته باشد. البته در صورت اجرای موفقیت‌آمیز این راه‌کارها، افزایش تولیدات و رشد بیشتر، نتیجه طبیعی آن خواهد بود.

همچنین، قرض الحسنه و راهبرد نیازهای اساسی می‌تواند از ارکان مشابهی برخوردار باشند، چون در راهبرد نیازهای اساسی، علاوه بر مردم که رکن اصلی آن دانسته می‌شود، ارکان دیگری مانند گروه بین بخشی، سرخوشه‌ها، گروه مدیریت و تعاونی‌ها، برای اعمال سیاست‌ها و اجرای طرح‌های آن در نظر گرفته می‌شود (شادپور، ۱۳۷۲)، که در نهاد قرض الحسنه نیز می‌توان ارکان مشابهی را طراحی کرد تا ضمن برخورداری از نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی، از ویژگی‌های مردمی بودن نیز بهره‌مند باشد و حتی‌الامکان شرایطی ایجاد شود که مراکز قرض الحسنه در مناطق مختلف به رقابت در راستای اهداف مورد نظر بپردازد و از محاسن رقابت سالم هم برخوردار گردند.

البته بسیاری از اهداف و راه‌کارهای راهبرد نیازهای اساسی را می‌توان به سهولت در اهداف و روش عملکرد قرض الحسنه یافت؛ که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره شد، اما باید توجه داشت که برای ارائه الگوی مناسب برای هر جامعه باید تغییرات لازم و متناسب با آن در راهبردها ایجاد شود و همان طوری که در متون مربوط به راهبرد نیازهای اساسی آمده است، این راهبرد از انعطاف بالایی برای تطبیق با شرایط جوامع مختلف برخوردار است (هانت، ۱۳۷۶: ۹۵).

۱۳. نتیجه‌گیری

- به دلیل اینکه در اقتصاد اسلامی وجود جهان پس از مرگ نیز ذکر می‌شود، افراد جامعه جهت کسب پاداش اخروی نیز سعی و تلاش خواهند نمود، که دادن قرض یکی از راه‌های کسب پاداش اخروی می‌باشد. بنابراین انگیزه معنوی و اخروی وام‌دهنده و نیازمند بودن وام‌گیرنده به عنوان دو رکن اساسی، نقش مهمی در تبیین و پیش بینی اثرات اجتماعی - اقتصادی قرض الحسنه دارد.
- باتوجه به آیات و روایات و بررسی آثار اقتصادی قرض الحسنه در جامعه مشخص شد قرض الحسنه در توزیع درآمد، مصرف و پس‌انداز تأثیرگذار بوده و باعث بهبود اقتصاد جامعه می‌شود.
- قرض الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی تقریباً دارای اهداف و راهکارهای یکسانی بوده و می‌توان از قرض الحسنه در این راهبرد که جهت بهبود رفاه اقتصادی افراد جامعه تلاش می‌کند استفاده نمود. از آنجاکه خداوند پاداشی بیش از حتی پاداش صدقه برای قرض قرار داده است می‌توان گفت که قطعاً قرض امری مهم بوده و رواج آن در میان افراد باعث سلامت اقتصادی جامعه می‌گردد.
- هرچند که قرض به عنوان یک سرمایه‌گذاری موردتوجه نمی‌باشد ولی به عنوان کمک‌رسانی به افراد نیازمند یک فرصت ویژه شمرده می‌شود. می‌توان بیان نمود که قرض الحسنه به قرض یا بدهی محدود نمی‌شود، بلکه همه موارد خیریه موردتوجه است، پس می‌بایست نهادهایی در جامعه ایجاد شوند تا مردم را که ارکان اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند به پرداخت قرض تشویق کنند.
- پیشنهاد می‌شود صندوق‌های قرض الحسنه با پشتوانه دولتی و متشکل از مردم که ارکان اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند در جامعه رواج یابند تا افراد بتوانند با پرداخت پول خود به این صندوق‌ها هم باعث رواج این امر شده و باعث توسعه اقتصادی جامعه گردند. در این راستا تشکیل صندوق تعاون قرض الحسنه بین افراد با سطح درآمد یکسان می‌تواند با تثبیت درآمد، از تشدید فاصله طبقاتی جلوگیری به عمل آورد.

منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۱)، قرض الحسنه، ناشر: مؤلف، دفتر تبلیغات اسلامی، نوبت اول.
۲. ابن منظور (۱۴۰۵)، لسان العرب، بیروت، دار إحياء اثار العربی، الطبع الاولی.
۳. امامی، سیدحسین (۱۳۳۴)، حقوق مدنی، ابوریحان، چاپ پنجم، تهران.
۴. آزادانا، حسین (۱۳۷۱)، تحلیلی پیرامون مبانی و مفاهیم الگوهای رشد و توسعه اقتصادی در نظام اقتصاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی.
۵. بیدار، محمد و پرویز داودی (۱۳۹۰)، بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره اول، پیاپی پنجم.
۶. بیگ محمدی، جواد (۱۳۹۱)، قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه: دکتر غلام علی فرجادی؛ انتشارات سازمان برنامه و بودجه، سازمان چاپ خوشه، چاپ پنجم.
۸. جمشیدی، ناصر، جندقی، غلامرضا و رضا تهرانی (۱۳۹۳)، مدل سازی علل معوق شدن تسهیلات قرض الحسنه در بانک قرض الحسنه مهر ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال چهاردهم، شماره سوم.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)، درس هایی در اقتصاد اسلامی؛ ترجمه: جمعی از دانش آموختگان دانشگاه مفید.
۱۰. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تسنیم، قم نشر اسراء، چ اول، ج ۱۱، ص ۵۸۳.
۱۱. حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۲)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، تهران، معاونت امور اقتصادی و دارایی.
۱۲. حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۲)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی؛ وزارت اقتصاد و دارایی.
۱۳. ----- (۱۳۸۱)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، نامه مفید ۱۵۰.
۱۴. ----- (۱۳۸۴)، قرض الحسنه، نگرشی تفسیری-روایی، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶.

۱۵. حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۲)، وسائل الشیعه، داراحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان.
۱۶. حاجی منجزی، مریم (۱۳۹۴)، تحلیل اقتصادی روش‌های توسعه بانکداری قرض‌الحسنه در ایران (مطالعه موردی: بانک قرض‌الحسنه مهر ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید.
۱۷. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲)، مفردات قرآن، بیروت، دارالقلم، ج اول، ماده قرض.
۱۸. رفیعی، رمضان علی (۱۳۸۵)، قرض‌الحسنه در فقه اسلامی و نظام بانکی، مربیان، سال ششم، شماره ۲۱.
۱۹. روزبهان، محمود (۱۳۷۱)، مبانی توسعه اقتصادی، چاپ مشعل آزادی، چاپ اول.
۲۰. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه دکتر فریده فرهی و وحید بزرگی، نشر: مرکز.
۲۱. سیاح، احمد (۱۳۹۸ م)، فرهنگ بزرگ جامعه نوین، ج دوم، چ ۹، تهران: کتاب‌فروشی اسلام.
۲۲. شادپور، کامل (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بردیدگاه نیازهای اساسی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، چاپ و نشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۳. صدر، سیدمحمدباقر (بی‌تا)، نقش دین در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد محمدی، قم: انتشارات هادی.
۲۴. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان، تهران، ناصرخسرو، ج ۲، ص ۶۰۸.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات قدس محمدی، قم.
۲۶. عباسی، زهرا و صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴)، محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
۲۷. عبداللهی، محمود (۱۳۷۱)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. عرب‌مازار، عباس و کیقبادی، سعید (۱۳۸۵)، جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران، اقتصاد اسلامی، ۲۲، صص ۱۳-۴۶.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۱.

۳۰. غفاری، حسن محمد (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد، دانش پژوهان، شماره ۹، ۱۳۸۵.
۳۱. فرجادی، غلام‌علی (۱۳۷۱)، درآمدی بر نظریه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، نشر البرز، چاپ پایا، چاپ اول.
۳۲. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، «ماده حسن».
۳۳. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، نشرنی، چاپ مهارت، چاپ سوم.
۳۴. کمیجانی، اکبر، هادونی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۷)، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، نامه مفید ۱۴.
۳۵. لشکری، محمد و حسینی، سیدمحمد و معدنی، محمدعلی (۱۳۹۴)، بررسی موضوع ربا در قراردادهای قرض الحسنه رایج در سیستم تأمین مالی ایران، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۳.
۳۶. لشکری، محمد (۱۳۹۰)، تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها براساس بهبود توزیع درآمد، مجله راهبرد توسعه، ش ۲۵.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ هـ. ق.) ملاذالخبار، کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره)، قم.
۳۸. محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۹)، بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، مجله علمی-پژوهشی معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، ص ۱۴۱-۱۶۲.
۳۹. معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی شش جلدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۰. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی (۱) مبانی نظری- تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ سوم.
۴۱. موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱)، ابزارهای مالی اسلامی، تهران، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، استفتائات جدید، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱.
۴۳. _____ (۱۳۶۸)، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۲.
۴۴. موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، تحریرالوسیله، قم، اسماعیلیان، ج ۲.

۴۵. میرزایی، زهره (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی اوراق قرض الحسنه در بازار سرمایه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مفید.
۴۶. نظری، مرتضی (۱۳۷۹)، شرایط احیای فرهنگ قرض الحسنه، انتشارات اسپید، تهران.
۴۷. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۸)؛ قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۸. هادوی نیا، علی اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵)، بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض الحسنه، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۶.
۴۹. هادوی نیا، علی اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۶)، قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۹.
۵۰. هانت، دایانا (۱۳۷۶)، نظریه های اقتصاد توسعه، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ و نشر: سالن خدمات نشر دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، چاپ اول.
۵۱. یزدانی، مریم (۱۳۹۰)، قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ۶ و ۵.

52. Darwin, John. 2002. Developing Strategies for Change, Edition: paper Back

53. Hunt, Diana. ۲۰۰۶ Economic Theories Of Development, An Anaysis Of competing Paradigms, Journal of International Development.

